

<div> </div> 	
اخلاق در حوزه	
	
حرمت بهشت <p>بر انسان بدزبان</p>	
حضرت آیت‌الله علوی گرگانی	

قال رسول‌الله ﷺ:

يَا عَلِيُّ! حَرِّمِ اللَّهُ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَاجِشٍ بَذِي لِأَيَّامِي مَا قَالَ وَ لَا مَا قِيلَ لَهُ، يَا عَلِيُّ! طُوبَى لِمَنْ ظَالَ غُمْرُهُ وَ حَسَنَ غَمْلُهُ، يَا عَلِيُّ! لَا تَمْرُخْ فَيَذْهَبَ بَهَاوُكَ وَ لَا تَكْذِبْ فَيَذْهَبَ نُورُكَ وَ إِيَّاكَ وَ حَصْلَتَيْنِ: الصَّخْرَةُ وَ الْكَسَلُ فَإِنَّكَ إِنْ صَجَرْتَ لَمْ تُصْبِرْ عَلَى حَقِّهِ وَ إِنْ كَسِلْتَ لَمْ تُؤْذِ حَقًّا

رسول گرامی اسلام ﷺ در سفارشی به امیرالمؤمنین ^(علیه السلام) می‌فرماید: یا علی! خداوند بهشت خودش را حرام کرده است و هر کسی که زبان بد داشته باشد و دهانش به فحش و بدگویی و جسارت عادت کرده باشد و آدم پستی باشد که این سخنان، مربوط به جهتمیان است.

حضرت می‌فرماید: انسان مؤمن نباید دهانش را به فحش عادت بدهد. خداوند متعال بهشت را برای این دسته حرام کرده است که اگر اینها را به بهشت ببرد، بهشت را هم خراب می‌کنند. برخی افراد، غیرت و شخصیت خود را از دست داده‌اند. هر حرف زشتی که به آنها برزند، ناراحت نمی‌شوند. کسی که عادت به فحش دادن و فحش شنیدن پیدا کرد، دیگر هیچ چیز بر او اثر ندارد.

«يَا عَلِيُّ! طُوبَى لِمَنْ ظَالَ غُمْرُهُ وَ حَسَنَ غَمْلُهُ»؛ خوش به حال آن بنده‌ای که عمرش طولانی باشد و اعمال خوبی هم داشته باشد؛ یعنی هرچه عمرش زیاد شود، ذخیره آخرتش را زیاد می‌کند. هم عمر طولانی دارد و هم ذخیره خوب جمع می‌کند. کسی که فقط عمر طولانی دارد؛ ولی اعمالش درست نیست، هرچه بیشتر در این دنیا بماند، بیشتر برای خودش بدبختی ذخیره می‌کند. حضرت امام سجاد ^(علیه السلام) فرمود: خداوندا! اگر قرار است، عمر طولانی من چراگاه شیطان باشد، مرا زودتر از دنیا ببر. عمری خوب است که انسان آن را در راه خدا مصرف کند. اگر در اعمال نیک مصرف کرد، خوش به سعادتش؛ بنابراین، مراد، عمر طولانی با حسن عمل است؛ همانند حضرات

اثنه ^(علیهم السلام) و اولیاءالله و مانند اینها، خوشا به سعادتشان!

«يَا عَلِيُّ! لَا تَمْرُخْ فَيَذْهَبَ بَهَاوُكَ وَ لَا تَكْذِبْ فَيَذْهَبَ نُورُكَ»؛ هیچ‌گاه شوخی نکن. شوخی کردن بها و آبروی مؤمن را می‌برد؛ یعنی آن هیبت و وقاری که خدا در صورت شما قرار داده است و آن عظمتی که به شما اعطا کرده است، با شوخی کردن از دست می‌رود. اثر شوخی کردن این است. از آن طرف، هیچ‌وقت هم دروغ نگو. اگر دروغ بگویی، نوارثتت از دست می‌رود. خدا نکند که مردم درباره شخصی فکر کنند که او دروغ‌گو است.

دیگر در چهره‌او نوری نمی‌بینند.

«وَ إِيَّاكَ وَ حَصْلَتَيْنِ: الصَّخْرَةُ وَ الْكَسَلُ»؛ مواظب باش! این دو خصلت را نداشته باشی؛ یکی اینکه تنگی نفس و تنگی دل نداشته باش و دیگر اینکه کبسل نباش! چرا؟ علت را خود آقا فرموده است: «فَإِنَّكَ إِنْ صَجَرْتَ لَمْ تُصْبِرْ عَلَى حَقِّهِ وَ إِنْ كَسِلْتَ لَمْ تُؤْذِ حَقًّا»؛ انسان تنگ‌نفس و تنگ‌دل و تنبل، صبر بر حق ندارد و نمی‌تواند حق را ادا کند. طلبه‌ای که دارای این صفات باشد، نمی‌تواند طلبگی‌اش را اداره کند؛ چون طلبگی یعنی صبر در مشکلات و تحمل ناملایمات، روحانی باید جسارت ببیند، زخم زبان بشنود، فحش و ناسزا بشنود. فکر نکندید در طلبگی، راحتی و آسایش است. مردم جاهل آن زمان، به امیرالمؤمنین ^(علیه السلام) می‌گفتند: تو شبها به دزدی می‌روی. به بزرگان ما تهمت دزدی، زنا، دیوانگی و امثال اینها می‌زدند.

<div> </div> 	
<div>منبع: وصایای پیامبر اعظم ^(صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین ^(علیه السلام) (انوار اخلاقی)، ج۲، صفحه۷۴</div>	
<div>• پی‌نوشت‌ها</div>	
<div>۱. بحارالانوار، ج۲۴، ص۴۸.</div>	

<div> </div> 	
مدیریت قرآن و حدیث حوزه‌های علمیه خبر داد	
یازدهمین جشنواره قرآن و حدیث حوزه‌های علمیه برگزار می‌شود	
<div><div> </div><div>مدیریت قرآن و حدیث حوزه‌های علمیه گفت: یازدهمین جشنواره رشته‌های معارفی قرآن و حدیث حوزه‌های علمیه با محوریت رشته‌های معارفی به‌صورت متمرکز برگزار می‌شود.</div></div>	
<div><div> </div><div>حجت‌الاسلام سیدحسن حسینی، ۲۰بهمن در گفت‌وگو با خبرگزاری حوزه، در تشریح اهداف و سیاست‌های این جشنواره سراسری، اظهار کرد: این دوره از جشنواره با رویکرد توسعه و تحول در رشته‌های معارفی برنامه‌ریزی شده است؛ لذا به‌دلیل دو سالانه شدن مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، جشنواره در این دوره تنها در بخش معارفی برگزار خواهد شد و بخش آوایی نخواهیم داشت و به‌دلیل شیوع ویروس کرونا همه رشته‌های جشنواره به‌صورت مجازی برگزار می‌شود.</div></div>	
<div><div> </div><div>مدیر اداره قرآن و حدیث حوزه‌های علمیه از افزایش رشته‌ها و مخاطبان در جشنواره امسال خبر داد و بیان کرد: در جشنواره امسال تحولات خوبی پیش‌بینی شده؛ از جمله توسعه مخاطبان از طلاب و خانواده طلاب به اساتید، مدیران مدارس و کارمندان مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و افزایش رشته‌های معارفی جشنواره از رشتنه به ۱۰ رشته.</div></div>	
<div><div> </div><div>حجت‌الاسلام حسینی با اشاره به زمان ثبت‌نام تا ۳۰ بهمن، عنوان کرد: برگزاری جشنواره در رشته تفسیر ۲۲ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ و در سایر رشته‌ها از تاریخ ۳ تا ۵ اسفندماه مطابق جدول زمان‌بندی رشته‌ها خواهد بود و اسامی برگزیدگان ۱۵ اسفندماه اعلام و به برگزیدگان جوایز نفیسی اهدا خواهد شد.</div></div>	
<div><div> </div><div>علاقمندان می‌توانند برای ثبت نام به آدرس اینترنتی معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه به نشانی www.tahzib.ismc.ir مراجعه‌نمایند.</div></div>	

www.ofoghhawzah.com

• انقلاب دینی نمودار تفکر معنوی

دستاوردهای انقلاب در زمینه‌های گوناگونی قابل پژوهش و بررسی است؛ اما با توجه به ماهیت دینی انقلاب اسلامی، آثار تربیتی و فکری آن، بیش از همه اهمیت پیدا می‌کند. اگر انقلاب اسلامی فقط موجب ارتقای وضع معاش مردم شده و نوع حکومت را از دیکتاتوری به‌نوعی دیگر که قابل تحمل‌تر باشد، تغییر می‌داد، چندان نمی‌شد روی کامیابی آن اصرار ورزید؛ زیرا از انقلابی‌که وصف لازم آن اسلامی است، انتظاراتی فراتر از این می‌رود.

انقلاب اسلامی ایران، پدیده‌ای بی‌همتا بود که از پیش، تحلیلی برای آن وجود نداشت و حتی مبانی و مقدمات شناخت آن از اندیشه‌های جدید، غایب بود؛ البته کسانی مثل «آرنولدتوین بی» به جایگاه معنویت در حیات و تمدن بشری نیم‌نگاهی انداخته و تهی شدن از معنویت را موجب زوال آن می‌دانستند و معتقد بودند، تمدن آینده از جایی غیر از غرب باید سر برآورد؛ اما این مختصر، برای انقلابی عظیم با آثار سرشار و جاری بسیارش، به هیچ‌وجه کافی نبود. این انقلاب، با بازگشت به حقایق فراموش‌شده فطری، دین را در منظر اندیشه بشری پررنگ و برجسته نمود و در دو سطح ملی و جهانی چاره‌ای باقی نگذاشت؛ مگر اینکه رویکردی نوین به دین، معنویت، انسان و جهان پدید آید.

انقلاب اسلامی در حقیقت نوعی اندیشه بر مبنای جهان‌بینی معنوی و متفاوت با علم و تکنولوژی رایج بر پایه جهان‌بینی مادی را از مغرب تاریخ حقیقت و مشرق جغرافیای گیتی، به طلوع کشاند و انسان، جهان، جامعه و تاریخ را با روی و نمای الهی، موضوع دانش و اندیشه قرار داد.

نتیجه این رویکرد، تأمین مبانی تازه‌ای برای دانش و فضاها و شیوه‌های دست‌نخورده‌ای برای اندیشه بوده است.

این انقلاب، تنها تحولی در جامعه و نظام سیاسی و اقتصادی آن نیست؛ بلکه دگرگونی در کیفیت حیات فردی و اجتماعی، اصلی‌ترین شاخص انقلاب اسلامی است که با گشودن راه هدایت و ایجاد معرفت متعالی و راستین، صورت واقعی خود را می‌یابد و می‌بالد. انقلاب اسلامی، نمودار اندیشه‌ای معنوی است که می‌تواند رنجوری و ناتوانی علم و تکنولوژی را در ساختن تمدن طلایی برای انسان‌ها بر طرف کند. اندیشه معنوی و پاکی که از طریق انقلاب اسلامی در قلب تاریخ رسوخ کرد، منطری سبز و روشن به روی حیات بشری گشود که در چشم‌انداز آن، ظهور منجی جهانی، بسیار نزدیک به چشم می‌آید.

بنابراین، پرسش از چیستی و چرایی دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمروی اندیشه، دو پیامد ارجمند به دنبال دارد:

۱. پاسخ به چیستی آن. گستره اثرگذاری انقلاب اسلامی در راستای اهداف اصیل و اولیه آن را تبیین می‌کند.

۲. پاسخ به چرایی آن، راه شکوفایی و توسعه ثمربرداری در این عرصه را فراخ می‌سازد.

• رزله‌ای در اندیشه‌های جهانی

انقلاب اسلامی، کاستی و ناراستی بسیاری از نظریات را در حوزه علوم اجتماعی و علوم سیاسی آشکار نمود که در ادامه، به مواردی از آنها، فهرست‌وار اشاره می‌شود.

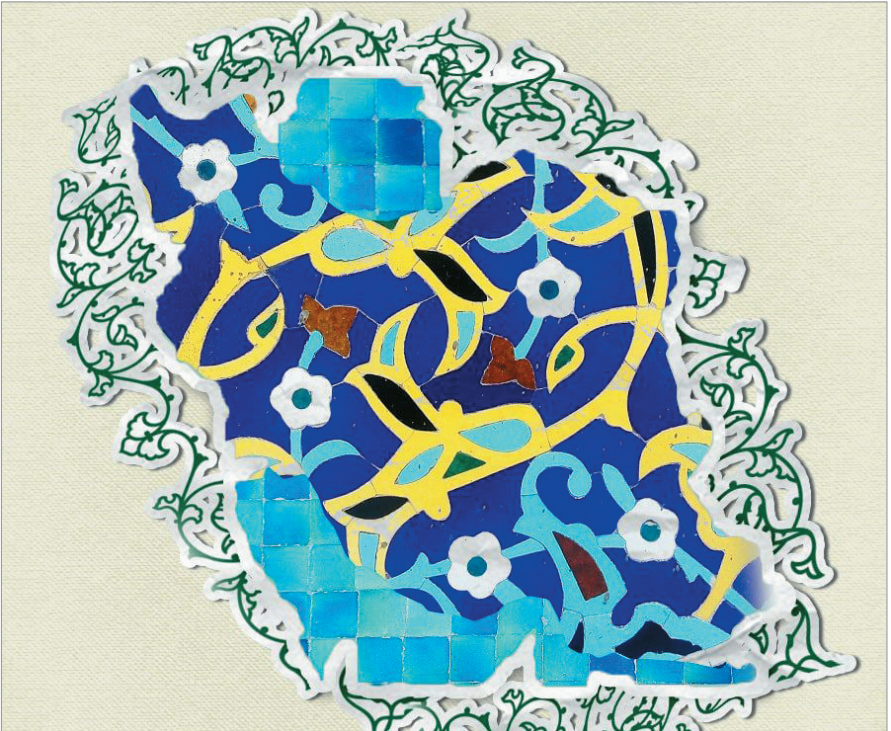
۱. نظریه‌های مارکسیستی انقلاب، با انقلاب اسلامی ایران زیر سؤال رفت؛ زیرا تاریخچه محتومی که در این نظریات برای انقلاب‌ها نوشته شده بود، در انقلاب اسلامی رخ نداد. مارکسیسم، سیر جوامع را از کشاورزی به سرمایه‌داری و پس از انقلاب، رسیدن به جامعه کمونیستی می‌دانست. انقلاب اسلامی ایران برخلاف این سیر، از بافت سنتی به انقلاب غیرکمونیستی رسید.^۱ همچنین، اعتقاد به اینکه دین اقیون ملت‌هاست، با خورش دینی مردم انقلابی ایران، تهی و تپاه گردید.

حتی نظریه‌پردازان مارکسیسم ساختارگرا نظیر تدا اسکاچ‌پل در کتاب دولت تحصیل‌دار و اسلام شیعی که می‌کشیدند، نظریه مارکسیستی انقلاب را بازسازی و اصلاح کنند، در برابر انقلاب ایران به ضعف تحلیل‌های خود اعتراف کردند. «تدا اسکاچ‌پل»، از متفکران مارکسیسم ساختارگرا معتقد بود، یک انقلاب سیاسی، با تغییر حکومت، بدون تغییر در ساختارهای اجتماعی صورت می‌گیرد و در این انقلاب، منازعات طبقاتی نقشی ندارد؛ اما یک انقلاب اجتماعی عبارت است از: انتقال سریع و اساسی دولت و ساختارهای طبقاتی یک جامعه که اقتضاشات طبقاتی، از پایین جامعه همراهی و در بخشی حمل می‌شود. چنین انقلابی در شرایط ویژه اجتماعی ـ ساختاری و بین‌المللی صورت می‌پذیرد. مثلاً فشار سیاسی بین‌المللی با شکست دولت در یک جنگ نظامی^۲؛ اما انقلاب ایران نشان داد که با قدرت فکر و فرهنگ اسلام شیعی و بدون شرایط خاص بین‌المللی، به پیروزی رسید. انقلاب سیاسی اجتماعی که هم روابط قدرت را دگرگون کرد و هم در ساختار اجتماعی و نهادهای آن تحولی ژرف پدید آورد و حتی بر معادلات و روابط بین‌المللی نیز آثار قابل توجهی برجای نهاد.

■ چهارشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۰ ■ ۳۰ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ ■ ۲ فوریه ۲۰۲۲

■ سال بیستم ■ شماره ۶۹۹

• پرس و جو



راه‌های جهانی‌سازی انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به یک تمدن اسلامی چیست؟

حجت‌الاسلام حمیدرضا مظاهری‌سیفی^۱

انقلاب ایران تنها برای بهبود وضع معاش مردم شکل نگرفت؛ بلکه فراتر از این، یک ماهیت ارزشی و دینی دارد و از این‌رو، اساسی‌ترین وصف انقلاب ایران، اسلامی بودن آن است. در این نوشتار به راه‌های جهانی‌سازی انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به یک تمدن اسلامی اشاره خواهیم داشت.

اندیشمندان مسلمان، به‌ویژه شهید آوینی طرح شد^۲، تلاش‌هایی‌که برای طراحی نظام اقتصاد اسلامی در سطح خرد و کلان صورت می‌گیرد، طرح نظریات و پژوهش‌های نوین در‌روان‌شناسی‌که به‌جای مطالعه رفتار و ذهن یک نوع حیوان مترقی، به پژوهش در ژرفای هستی انسانی که مقام خلیفه‌اللهی دارد^۳، کتاب‌هایی که در حوزه مدیریت اسلامی نگاه‌شته شده^۴، همه و همه در پرتو تحولی مبارک به وجود آمده که ارزش‌های الهی و دینی را به‌جای ارزش‌های موهوم مادی نشانَد.

• آزادی از بن‌بست حیرت

انقلاب اسلامی، افزون بر پرتوافشانی در علوم، با رساندن امواج اندیشه‌های معنوی به کوبر خشکیده فلسفه و علم معاصر، آثار بسزایی بر جای نهاد. در چند قرن گذشته، این پندار به وجود آمده بود که اندیشیدن و پژوهش، با مبانی مادی و روش تجربی، دانش را بی‌طرف و جهانی به پیش می‌برد؛^۵ اما نظریات جدید در فلسفه علم نشان می‌دهد که تجربه‌ها و استنتاجات برآمده از آنها، به‌ناچار تابع مبانی و ارزش‌هایی است که زیرساخت فرضیه‌های علمی را تشکیل می‌دهند.^۶

در این بحران، دو راه فراروی علم است؛ یا اینکه بپذیرد همه ارزش‌ها شخصی و ناپایدار است و ملاکی برای برتر دانستن ارزش‌های گوناگون وجود ندارد؛ در نتیجه علم به سوی نوعی هرج و مرج پیش می‌رود، چنانکه برخی از نظریات جدید فلسفه علم در غرب به این سو رفت.^۷ راه دوم اینکه ملاکی برای شناخت ارزش‌های برتر و حتی صحت و سقم آنها بیابیم که ارزش‌های درست و نادرست را معرفی نماید و این، تنها راه سامان یافتن علم است.

انقلاب اسلامی ایران در روزگاری که بحران بازنمایی و کاشفیت، علوم جدید را گرفتار کرده بود، با طرح ارزش‌های معنوی، به‌گونه‌ای جذاب و تأثیرگذار، مبانی و منظرهای نوینی را به اندیشمندان معرفی کرد که با آن می‌توانند، علم راستین را از علوم پندارین جدا ساخته و علم حقیقی را به پیش برند.^۸ بدین‌سان، آثار انقلاب اسلامی در حوزه اندیشه، به پرسش‌های بی‌جواب امروز، پاسخ شایسته‌ای داد؛ پرسش‌هایی که حتی متن سؤال، هنوز برای اندیشمندان به‌خوبی معلوم نشده بود و تنها، حیرت آن ظهور کرده بود.

پرسش از رابطه علم و ایمان و معنویت، انواع علل غیرمادی در توضیح پدیده‌های طبیعی و اجتماعی، کارکردهای غیرمادی علم و... است. امروزه برای پاسخ بسیاری از مجهولات، پژوهش‌هایی در قلمروهای فراطبیعی انجام شده‌است.^۹ «آفریزیک تا‌روان‌شناسی به اندیشه‌های عرفانی و فراطبیعی متمایل گشته است و سرانجام، آموزه‌های ناب دین حق گره‌گشا خواهد بود.

هم از این رو حضرت امام خمینی ^{(رحمه‌ای که به سران ابرقدرت رو به زوال شرق نوشتند، آنان را دعوت می‌کنند تا نخبگان‌شان را به قم فرستاده و آثار بزرگان حکمت و عرفان اسلامی را مطالعه کنند.}

• تداوم و کمال شکوفایی اندیشه

ثمرات و اثرات انقلاب اسلامی در حوزه اندیشه و تفکر، مرهون درخشندگی ارزش‌های معنوی و دینی

اف‌جوز

است. دگرگونی ارزش‌ها موجب شد تا در سطح ملی و جهانی^{۱۰}، اندیشه‌ها تحول یابد و منور گردد و از این انفجار نور، در هر نقطه‌ای از جهان پرتو افکند.

اگر این ارزش‌ها به‌درستی کشف، تبیین و ترویج شده و رابطه منطقی آنها با علوم و شیوه‌های اندیشیدن بر اساس آنها مهندسی شود، تولید دانش و اندیشه به‌عنوان نرم‌افزار تمدن اسلامی، راه رشد و بالندگی را خواهد پیمود و دیگر اندیشه‌های پراکنده معنوی که در پرتو انقلاب به وجود آمده، مورد تهدید هضم و افول در نظریات رایج و مشهور قرار نمی‌گیرد. پس از انقلاب، اندیشه‌های معنوی بر اثر درخشش ارزش‌های معنوی به وجود آمد؛ اما اگر این ارزش‌ها کم‌رنگ شود، این اندیشه‌ها نیز رنگ باخته و از معنا تهی می‌گردد.

به این جهت، حفظ و رشد و نهادینه شدن اندیشه و دانش معنوی، باید با ارزش‌های معنوی پشتیبانی شود و با آن رابطه مستقیم دارد.

برای اینکه انقلاب اسلامی به هدف عالی خود یعنی تمدن اسلامی برسد، جنبش نرم‌افزاری و توسعه اندیشه معنوی در گستره دانش بشری لازم است. این جنبش فکری، همان‌طور که در روش بزرگانی همانند شهید مطهری ^{(رحمه‌ای که در روش بزرگانی چون، علامه جعفری، علامه طباطبایی، حضرت امام ^{(رحمه‌ای که به تبیین و تحلیل و نقد آنها پیردازیم و خود را با اندیشه‌هایی که سرچشمه معنوی دارند، درگیر کنیم و پژوهش در شاخصه‌های مختلف علوم انسانی، فلسفه و هنر و ادبیات را بر اساس این نظریه‌ها سامان دهیم.}}

۱. شناخت اندیشه‌های مرجع و مرجع‌های اندیشه در حوزه تفکر معنوی؛ به‌جای اینکه ذهن خود را در نظریات دانشمندان غییردینی که با مبانی مادی اندیشه، نظریاتی را پدید آورده‌اند، غرق سازیم، می‌توانیم به غواصی در آثار و آرای بزرگانی چون، علامه جعفری، علامه طباطبایی، حضرت امام ^{(رحمه‌ای که به تبیین و تحلیل و نقد آنها پیردازیم و خود را با اندیشه‌هایی که سرچشمه معنوی دارند، درگیر کنیم و پژوهش در شاخصه‌های مختلف علوم انسانی، فلسفه و هنر و ادبیات را بر اساس این نظریه‌ها سامان دهیم.} ۲. آشنایی با اندیشه‌های رایج در جهان علمی امروز؛ بی‌تردید اگر بخواهیم، نظریه‌ای دهیم که جهانی باشد، باید در راستای حل مشکلات علمی و به زبان رایج علمی بیان شود. همین امر، ضرورت آشنایی با محصولات تفکر بشری را بدیهی می‌سازد.

۳. کشف نیازهای فکری، پیرایش و شفاف کردن پرسش‌های بی‌پاسخ علمی: طرح پرسش، تطفه تولید اندیشه است و این پرسش‌ها باید چیزی باشد که بیشتر دانشمندان با آن درگیر هستند؛ نه پرسش‌های شخصی.

۴. رجوع به اندیشه‌های مرجع معنوی و یافتن پاسخ‌های مناسب و تولید نظریه برای گشودن گره‌های علمی. شهید مطهری ^{(رحمه‌ای که مسئله و شفاف کردن آن با رجوع به آرای معنوی بزرگانی چون علامه طباطبایی، ملا صدرا و... پاسخ مناسب را از لابه‌لای تحلیل، تبیین، نقد، تعدیل و تکمیل آن نظریات بیرون می‌کشید.} ۵. طراحی و تولید نظریات معنوی به زبان علمی که مناسب با فضای حوزه‌های گوناگون علمی بوده و با حوزه مربوط، ارتباط مؤثری برقرار کند.

بدین‌سان، ارزش‌های معنوی از طریق اندیشه‌های معنوی، در شهر آشفته دانش بشری راه یافته و با رشد و کمال علمی و معنوی انسان، بنای بی‌بنیاد علوم سکولار فروریخته و دانش و اندیشه، رنگ و بوی معنوی می‌گیرد و با دگرگونی دانش و نگرش انسان، حیات فردی و جمعی تحول یافته و انقلاب اسلامی به کمال تحقق و تمدن‌سازی می‌رسد.

نتیجه اینکه، انقلاب اسلامی و دانش و اندیشه مبتنی بر ارزش‌های معنوی و دینی، دست در دست هم، یکدیگر را بالا می‌کشند.

<div><div> </div><div>منبع: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی</div></div>	
<div><div> </div><div>• پی‌نوشت‌ها</div></div>	
<div><div> </div><div>۱. محقق و نویسنده؛</div></div>	
<div><div> </div><div>۲. عبدالوهاب فراتی، ایجاد ناشناخته انقلاب، نشر دبیرخانه مجمع گروه‌های معارف اسلامی، ۱۳۷۷، ص: ۷</div></div>	
<div><div> </div><div>۳. تدا اسکاچ پل، دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، ترجمه سیدمجید روئین‌تن، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول؛</div></div>	
<div><div> </div><div>۴. عبدالوهاب فراتی، انقلاب اسلامی و بازتاب آن، انجمن معارف اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص: ۲۲</div></div>	
<div><div> </div><div>۵. مقصود فراس‌ت‌خواه، دین و جامعه، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۱۳۱،۱۵۷؛</div></div>	
<div><div> </div><div>۶. منوچهر محمدی، انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، دفتر نشر و پخش معارف، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۵،۲۵۵؛</div></div>	
<div><div> </div><div>۷. گردآوری از گروه مطالعاتی شهید آوینی، مبانی نظری هنر شهید آوینی، انتشارات نیوی، چاپ اول، ۱۳۷۴؛</div></div>	
<div><div> </div><div>۸. حمیدرضا مظاهری‌سیفی، خودشناسی عرفانی، انتشارات نشاط، چاپ اول، ۱۳۸۱؛</div></div>	
<div><div> </div><div>۹. محمد ری‌شهری، مدیریت اسلامی؛</div></div>	
<div><div> </div><div>۱۰. حمید یارسانیا، علم و فلسفه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، بخش اول فصل دوم؛</div></div>	
<div><div> </div><div>۱۱. آئن چامز، چیستی علم، ترجمه سعید زیباکلام، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۴، فصل سوم؛</div></div>	
<div><div> </div><div>۱۲. رک: پاولی فایرلیند، بر ضد روش، ترجمه مهدی قوام صفری، انتشارات آفرین، چاپ اول، ۱۳۷۵، صص ۳۹،۴۷؛</div></div>	
<div><div> </div><div>۱۳. حمید یارسانیا، پیشین، بخش دوم؛</div></div>	
<div><div> </div><div>۱۴. لیواواتسن، فوق طبیعت، ترجمه شهیار برحانی و احمد ارزمند، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۷؛</div></div>	
<div><div> </div><div>۱۵. گریا مکتون، نقش انقلاب اسلامی در تحول ارزش‌ها، چرعه جاری به‌کوشش علی ذوعلم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷.</div></div>	